

گل‌نامه‌ی کاغذی

مستندی داستانی از مبارزات
حسین طهرانی زمانی

♦ اصغر فکور ♦



موزه عبرت ایران

۱۳۹۶

سرشناسه: فکور، اصغر، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: گلوله‌های کاغذی/ روایتی مستند داستانی از زندگی حسین طهرانی زمانی/ اصغر فکور.

مشخصات نشر: تهران: موزه عبرت ایران، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ص.: مصور ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-600-04-8073-8 : ۸۰,۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

موضوع: طهرانی زمانی، حسین، ۱۳۳۶-

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction--20th century

شناسه افزوده: موزه عبرت ایران(تهران)

رده بندی کنگره: ۸۱۲/۵۷۳/۸۱۶۹ PIR

رده بندی دیویی: ۷۳/۶۷

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۵۱۲۵



گروه کاغذی

مستندی داستانی از مبارزات حسین طهرانی زمانی

مؤلف: اصغر فکور

ویرایش و صفحه‌آرایی: موزه عبرت ایران

طراحی جلد: فائزه اردستانی

چاپ و صحافی: متیران

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰۰۴-۸۰۷۳-۸

هر گونه استفاده از این اثر، منوط به اجازه رسمی از «موزه عبرت ایران» است.

نشانی مرکز پخش: میدان امام خمینی (ره)، ابتدای خیابان فردوسی، کوچه طبس،

خیابان شهید یارجانی، پلاک ۱۱ - موزه عبرت ایران

تلفن: ۶۶۷۲۲۰۹۶-۷ نمابر: ۶۶۷۲۷۵۹۷

نشانی اینترنتی: www.ebratmuseum.ir

مقدمه ناشر

هیچ ندیده‌ایم روزهای سخت، با این همیشه بمانند، هرگز نمانده‌اند و نمی‌مانند. این، قانون نانوشته طبیعت است. در قرآن، سوره شرح - یا همان انشراح - نیز شرح این قانون آمده که «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (به يقين، بعد از هر سختی، گشایشی است). چهل سال پیش، بسیاری از مردان و جوانان این سرزمین، با سلاحی که ایمانش می‌نامند و با خشاب‌هایی پر از گلوله‌های کاغذی، در میدان آمدند تا آن قانون نانوشته طبیعت و آن آیه شریفه قرآن را اثبات کنند. گلوله‌های کاغذی دادند و درمقابل، گلوله‌های سربی گرفتند در دادوستدی ناپای پای ناکام‌اندرانه. نه این‌که ندانند چه داده‌اند و چه گرفته‌اند، نیک می‌دانستند که وقتی مجهز به سلاح ایمانی، خشاب سلاح نیز پر از گلوله‌های کاغذی است و خصمی که در دره نابینایی ایستاده، گلوله‌هایی سربی دارد، که سخت برنده است و دردناک، و زخمی‌گری می‌زند در این سال‌ها، همان‌ها یاد گرفتند که زخم‌هاشان را با آب حلم و مسیت بشویند و لبخند بزنند به چهره‌هاشان، به این نیت که شادکامی‌شان را تلخ نکنند، که یعنی «گوارایتان باد این روزهای فرخنده!»

و بدا به ما، که با دیدن لبخندهاشان، بگوییم «خوشا به حال‌شان! لابد آن سال‌ها، خبری نبوده و همه آن جان‌دادن‌ها به خصم و حسرت ستاندن‌ها از دشمن، چه راحت

بوده!» و بگوییم «پس چرا هیچ ندارند بُغضی از آن زخم‌ها در گلو؟!»

موزه عبرت ایران، برای نمایاندن مقطعی مهم از تاریخ معاصر این مرز و بوم به مردم، به ویژه نسل جوان کشور، لازم دید سخن روایت‌گران زجرکشیده را در قالب «زندگینامه داستانی» به جامعه کتابخوان عرضه نماید تا با اوضاع اجتماعی - سیاسی و وابستگی‌های آن رژیم به آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی آشنا شوند. شد که با مطالعه این کتاب، بدانیم انقلاب اسلامی به راحتی به دست نیامده!

موزه عبرت ایران